



## یادداشت

کارگران نه در انتصابات ریاست جمهوری شرکت می کنند و نه به بانیان فقر و بی حقوقی خود رای خواهند داد!

صادق کار



در شرایطی که کمتر از دو هفته به برگزاری انتصاب رئیس جمهور باقی مانده، تبلیغات جریانات موسوم به اصلاح طلب و میانه رو برای کشاندن مردم به پای صندوق های شعبده بازی رژیم به نحو چشمگیری تشدید شده است. این جریانات که انتصاب رئیس جمهوری را سوراخی برای آشتی با جریان علی خامنه ای و شرکا یافته اند، در تبلیغات خود سعی می کنند مردم دل کنده از "انتخابات" را بهر شکل که شده قانع کنند که گویا علی خامنه ای یکشبه عابد و مسلمان شده و با تأیید مسعود پزشکیان قصد دارد از راه رفته برگشته و راه را برای تغییر ریل سیاستهای اصلاح طلبانه مد نظر این جماعت هموار کند.

روزنامه اطلاعات نوشت: با تجربه ای که از حاکمیت یکدست به دست آمده، همگان حتی در سطح بالای "نظام به این نتیجه رسیده اند که خالص سازی و حکومت یکدست، راهکار کارآمدی برای اداره کشور نیست".

این تبلیغات در حال و هوایی جریان دارد که پزشکیان در یکی از تازه ترین موضعگیری های خود اذعان نمود قصد اعلام برنامه تازه ای را ندارد. این تبلیغات فریبکارانه البته به اذعان برخی رسانه های متعلق به این طیف اثر چندانی روی رای دهندگانی که در دو "انتخابات" آخر با تحریم گسترده و بی سابقه بیزاری خود را از رژیم و جناح های آن به نمایش گذاشتند نداشته است.

خبرگزاری دولت با تحلیل محتوای مرتبط با ۷ پیامرسان و شبکه اجتماعی پرتیرافدار در ایران نوشت که "بررسی اینستاگرام با ۳۱ میلیون کاربر در ایران نشان از این دارد که تحرکات انتخاباتی در میان توده مردم هنوز شکل نگرفته و رقابت اصلی در شکل دهی افکار عمومی، در میان توئیتر، تلگرام و ایستا است".

روحانی می نویسد:

کسی که می خواهد مسئولیت اجرائی کشور را به عهده بگیرد، باید حداقل برای ده مسأله اصلی: رفع تحریم، رشد سرمایه گذاری، سالم و رقابتی شدن اقتصاد، حق اینترنت مردم، شفافیت و توازن بودجه، اصلاح سیاست های پولی و ارزی، تأمین سلامت ارزان، اجرای تام و تمام قانون اساسی، تضمین آزادی های مدنی و اعتلاء اخلاق در جامعه، راه حل روشن داشته باشد و بتواند این راه حل را محقق کند. این گفته به معنی آن است که هیچ کدام از کاندیداها نه برای این حداقل ها راه کار و برنامه دارد و نه آنها را در ساختار



کنونی عملی می داند. کما اینکه خود روحانی طی دو دوره ریاست جمهوری با وجود رای بالا و حمایت . متوهمانه رای دهندگان نتوانست هیچ یک از این حداقل ها را عملی کند

واقعیت این است که دغدغه و انگیزه اکثر جریانات طرفدار شرکت در معرکه خامنه‌ای و شرکا توانستن و ناتوانستن نیست، بلکه منافع اقتصادی و سیاسی و نفعی است که از بابت بقای رژیم و ضرری است که از بابت سقوط آن به آنان وارد می شود

اما برای کارگران و سایر زحمتکشان و بی چیزان که نمایندگان همه ی جناح های رژیم را در هنگام داشتن قدرت امتحان کرده‌اند، از جناح های مختلف جز فقر و فلاکت روز افزون و بیکاری و دستمزدهای سه برابر کمتر از خط فقرنصبی نبرده‌اند و سالهاست که اکثریت شان در هیچ "انتخاباتی" شرکت نکرده‌اند اساسا برایشان از میان این تعداد چه کسی رئیس جمهور شود اهمیت ندارد. مگر برای محروم شدگان چه فرقی دارد که قالیباف رئیس جمهور بشود یا پزشکیان و یا هر مهره دیگری. هیچ کدام از این شش مهره سرسپرده به بارگاه فقاقت اگر چه در حرف وعده بهبود معیشت به مردم می دهند که البته رئیس جمهوری تا کنون در این کشور نبوده که از این نوع وعده کم داده باشد، ولی در عمل خلاف وعده های خود عمل نموده‌اند. به روشنی ازسوابق و اظهارات تا کنونی این جماعت می شود فهمید که هیچ کدام شان برنامه مشخصی که درهای حقوق و منافع مردم زحمتکش در آن ملحوظ شده باشد، ندارند و اصلا مسئله شان حقوق محروم شدگان نیست. همگی بلا استثنا برنامه هفتم "توسعه" دولت رئیسی را که برنامه‌ای ضد توسعه و بیشتر از آن ضد حقوق کارگر است تأیید می کنند، همگی قانون کار را مانع تولید می نامند و برای محو ته مانده آن اشتراک نظر دارند، بر حفظ دستمزدهای زیر خط فقر و سرکوب دستمزدها اصرار دارند، بر سرکوب تشکلهای مستقل کارگری و زندانی کردن رهبران آنها تأکید دارند، از خصوصی سازی بهداشت و درمان و آموزش و خصوصی سازی بی قید و شرط و طبقاتی شدن آموزش و بهداشت حمایت میکنند. کارگران و عموم مزد و حقوق بگیران و بی چیزان و حاشیه نشینان مطالباتی دارند که آنها را در این رژیم دست یافتنی نمی دانند بهمین جهت دل و رای شان به جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی و منشور ۱۲ ماده‌ای حداقلی تشکلهای کارگری و مدنی است که اهم خواسته های کارگران و نیروهای دمکراتیک و ترقی خواه را ترسیم کرده است. کدام یک از این شش نفر حتی یک مورد از موارد این منشور را در برنامه خود قرار داده که کارگر رغبت رای دادن به او را داشته باشد؟ کدام یک حرفی از آزادی هزاران زندانی سیاسی، از ممنوع کردن سانسور، از ممنوعیت پیگرد وکلا نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالین حقوق بشر، از آزادی سندیکاها و احزاب سخنی به میان آورده‌اند؟ حرف آخر را کارگران و بازنشستگان سه هفته پیش با گفتن دگر باره از بس دروغ شنیدیم ما دیگه رای نمی دیم زدند. بگذار طرفداران علی خامنه‌ای و شرکا گلوی خود را پاره کنند، کارگران و عموم حقوق بگیران نه در شعبده بازی خامنه‌ای و اصلاح طلبان شرکت خواهد کرد و نه به بانیان فقر و بی حقوق خود رای خواهند داد. جای ما در کنار آن ۸۵ درصد مردمی است که با تحریم کوبنده "انتخابات" گذشته راه رهایی از اسارت رژیم استبدادی را در پیش گرفتند. ما در کنار مبارزان جنبش زن، زندگی، آزادی و مادران و پدران فرزند از دست داده و کسانی که شب و روزشان در غم و دلهره فرزندان و عزیزان زندانی دلیندشان می گذرد تا پیروزی و رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی خواهیم ایستاد.

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!**

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!**



گزارش تحقیق ویژه در باره کار کودک و تغییرات اقلیمی بخش پایانی  
شعبه اصول و حقوق اساسی کار سازمان بین المللی کار، برنامه مشاغل سبز



## برای تبادل نظر: کار کودکان و گذار عادلانه به اقتصاد و جامعه "اقلیم بنیاد" - ادامه تدابیر اقلیم بنیاد بخش دولتی 4.1

حصول اطمینان از یک گذار عادلانه از منظر کار کودک پیامدهایی برای تدابیر بخش دولتی ناظر بر اقلیم در طیف وسیعی از حوزه‌های سیاستی دارد. برای مثال، پادمان‌هایی لازم اند تا سیاست‌های عمومی ترویج گذار به انرژی پاک، در بازار کار اختلالی ایجاد نکنند که کارگران ناماهر و خانواده‌هایشان را در موقعیت آسیب‌پذیری بیشتری قرار دهند، به نحوی که ناگزیر به اتکای بیشتر به کار فرزندانشان شوند. برنامه‌های تشویقی دولت برای ترویج محصولات "سبز" مانند اتومبیل‌های الکتریکی و پنل‌های خورشیدی باید شامل اقداماتی برای مقابله با خطر کار کودکان در فعالیتهای معدنی یا سایر فعالیتهای تولیدی در زنجیره تأمین این محصولات باشد. در همین راستا، سیاست‌های ترویج بازیافت زباله‌های الکترونیکی و سایر موارد باید تضمین کنند که این فعالیتهای تقاضای جدیدی برای کار خطرناک کودکان در مدیریت و بازیافت زباله‌های الکترونیکی ایجاد نمی‌کنند. سیاست‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی، مانند روش‌های سازگار با محیط‌زیست برای بهبود تولیدات کشاورزی در مواجهه با تغییرات اقلیمی، یا طرح‌های عمومی برای مهار شوک‌های اقلیمی نیز باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که وابستگی خانوار به کار کودکان را کاهش دهند و نه آن که منجر به تقاضای بیشتر برای کار کودکان گردند.

تدابیر دولتی برای حصول اطمینان از گذار عادلانه از منظر کار کودک، دارای یک بعد نظارتی مهم نیز هست. ترکیب عناصر محیطی و حقوق بشر در قوانین و مقررات ملی حاکم بر رفتار شرکتها، از جمله در زنجیره تأمین داخلی و برونمرزی، می‌تواند نقش مهمی در تضمین تحقق توأمان این دو هدف نظارتی ایفا کند. دولت‌ها همچنین می‌توانند از طریق قوانین موجود در موافقت‌نامه‌های تجاری که مستلزم تعهد به کنوانسیون‌های بنیادی سازمان بین‌المللی کار و اهداف اقلیمی اند، نظارت بر حقوق بشر و محیط‌زیست را در عملیات تجاری و زنجیره‌های تأمین تشویق کنند.

یک گذار عادلانه همچنین مستلزم آن است که اقدامات نظارتی کشورها، اثرات بالقوه منفی بر محیط زیست و حقوق بشر را، که ممکن است در روند تولید کالاها و خدمات موجود بروز عمل کنند، در نظر داشته باشند. به عبارت دیگر، اقدامات نظارتی باید نه تنها تأثیرات کار کودک و اقلیم مرتبط با تولید داخلی، بلکه تأثیرات کشورهای ثالث در تولید کالاها و خدمات وارداتی را نیز در نظر داشته باشد.



## تدابیر اقلیم بنیاد بخش خصوصی 4.2

نقض حقوق بشر و تخریب محیط زیست در عملیات تجاری و زنجیره تامین اغلب پیامد یکدیگر اند و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. نمونه‌ها زیاد اند: کشت تک محصولی قهوه در برخی از موارد هم با کار کودکان و هم با آسیب‌های زیست محیطی از جمله جنگل زدایی، فرسایش خاک و آلودگی آب همراه است. استخراج کلتان (یک ماده معدنی ضرور برای تولید طیف وسیعی از کالاهای الکترونیکی) با استفاده گسترده از کار کودکان و توأمآ آسیب جدی به اکوسیستمها همراه است و زیستگاه‌های وحوش را تحت تاثیر قرار می‌دهد. همچنین صنعت کبالت با اثرات منفی زیست محیطی، از سوئی از تخریب زیستگاه وحوش گرفته تا آلودگی آب و هوا، و از سوی دیگر با نقض حقوق بشر از جمله استفاد وسیع از کار کودکان، کار اجباری و استثمار جنسی تجاری از زنان و دختران همراه است.

در صنعت روغن نخل، تخریب محیط زیست به صورت جنگل‌زدایی با استفاده از کار کودکان در برداشت روغن نخل عجین است. تولید پنبه، به عنوان یکی از بسیاری نگرانیهای زیست محیطی، مولد محصولات جانبی است. این فعالیت همچنین CO2 شامل اکسیدهای نیتروژن است، که یک گاز گلخانه‌ای 300 برابر قوی‌تر از در بسیاری از موارد [تقریباً بالتمامه] به کار کودکان متکی است.

در عرصه بازار، در صنایع نامبرده و در بسیاری دیگر از صنایعی که توأمآ با چالش‌های زیست محیطی و حقوق بشری مواجه اند، یک گذار عادلانه از منظر کار کودک به معنای اطمینان از این است که تلاش‌های مربوط به محیط‌زیست و حقوق بشر به طور منطقی همسو شده و متقابلاً تقویت می‌شوند. کسب‌وکارهایی که هدفشان رعایت تعهدات زیست محیطی به قیمت نقض تعهدات حقوق بشری است، یا برعکس، در نهایت به تعهدات خود در هیچ یک از این حوزه‌ها عمل نمی‌کنند، زیرا حقوق بشر و محیط‌زیست به طور جدایی ناپذیری به هم مرتبط اند. یک رویکرد جامع مورد نیاز است که در آن هم تعهدات زیست محیطی و هم حقوق بشری در پیوند با هم رعایت می‌شوند. امروزه هستند معدودی از فعالیتهای اقتصادی که رویکرد موسوم به "هم‌افزایی مبتنی بر سه رکن (زمین، بشریت و سود) را پیشه کرده اند. با این حال با توجه به ارتباط متقابل بین سلامت محیط زیست، حقوق کار و موفقیت مالی، در این رابطه باید کارهای بیشتری انجام شود.

در همین راستا، بسیار مهم است که واکنش‌های کسب‌وکار به فشارهای هزینه‌ای مرتبط با تغییرات و شوک‌های اقلیمی، به قیمت نقض حقوق بشر و شرایط محیط کار در عملیات و زنجیره‌های تامین آنها صورت نیابد. خطرات در این عرصه مشخص اند: فشار مالی مرتبط با خسارات ناشی از شوک‌های اقلیمی می‌تواند انگیزه پیشه کردن راهبرد "مسابقه به قهقرا" باشد که در آن حقوق بشر و استانداردهای زیست محیطی قربانی کاهش هزینه‌ها می‌شوند. این یک نگرانی خاص در بخش‌هایی از عملیات تجاری و زنجیره‌های تامین است که در حوزه‌های شدیداً تحت تأثیر تغییرات اقلیمی عمل می‌کنند و در عین حال از استانداردهای کار، محیط‌زیستی و مکانیسم‌های اجرایی قوی بی بهره اند.

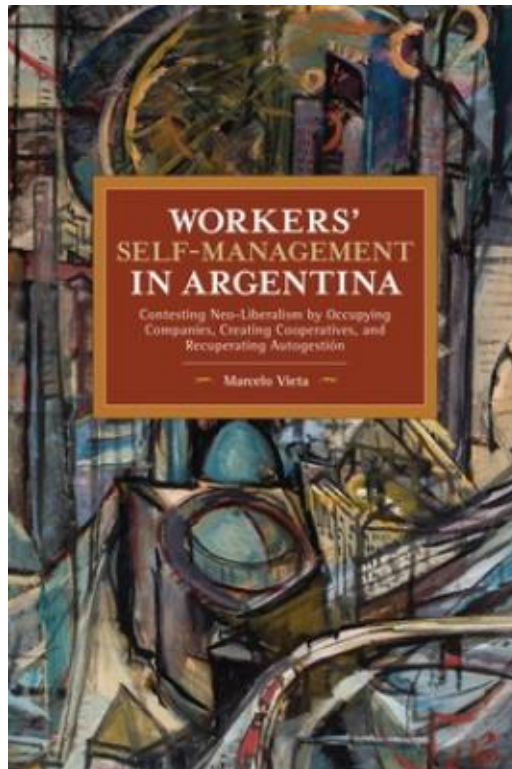
**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**





امکانات و تنگناهای کنترل کارگری  
سعید رهنما



نقد کتاب «خودگردانی کارگران در آرژانتین: مقابله با نولیبرالیسم از طریق اِشغالِ کارخانه‌ها، ایجاد...تعاونی‌ها»  
نوشته‌ی مارچلو ویتا

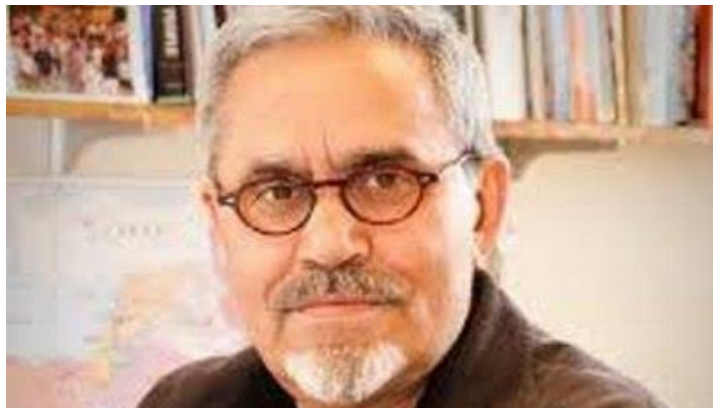
گزارش و بررسی مفصلی است درباره‌ی پیدایش تعاونی‌های .... کتاب **خودگردانی کارگران در آرژانتین** تولیدی کارگری در صنایع بحران‌زده‌ی آرژانتین و نقش برجسته‌ی کارگران در اِشغال و اداره‌ی خودگردان پاره‌ای از کارخانه‌هایی که از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۰ تعطیل شدند یا رو به تعطیلی بودند. کتاب به‌رغم سبکِ خاص نگارش و پاره‌ای نتیجه‌گیری‌های کلی و بحث‌انگیز، نمونه‌های جالب‌توجهی از چگونگی ایجاد این واحدهای خودگردان کارگری را عرضه می‌کند. جنبش کارگری آرژانتین یکی از برجسته‌ترین جنبش‌های کارگری در جهان است و درس‌های بسیاری برای ما به‌همراه دارد.

برای درک بهتر شرایط اقتصادی/سیاسی‌ای که به این حرکت‌های کارگری منجر شد، اشاره‌ی مختصری به زمینه‌ی تاریخی شکل‌گیری تشکل‌های کارگری در آرژانتین و رابطه‌ی آن‌ها با دولت و سرمایه‌داران، با تأکید بر نقش «پرونیسم» ضروری است. پس از آن جنبه‌های مهم کتاب – و نه تمام بحث‌های طولانی و گاه تکراری و درهم‌آمیخته‌ی آن – بررسی خواهد شد. در آخر به پاره‌ای نتیجه‌گیری‌ها در مورد کنترل کارگری در دوران سرمایه‌داری اشاره خواهیم کرد.



## زمینه تاریخی

صنعتی شدن آرژانتین از دهه ۱۹۳۰ میلادی در دولت‌های بی‌ثبات نظامی و غیرنظامی آغاز شد. [۲] بورژوازی داخلی بیشتر و بیشتر خواهان به دست گرفتن صنایعی بود که تحت کنترل سرمایه‌داران خارجی به ویژه انگلیسی قرار داشت. تأکید آن‌ها بر سیاست جایگزینی واردات بود، و صنایع کاربر مصرفی روبه رشد بودند. در آن زمان از موج‌های مهاجرین اروپایی در دهه‌های قبل کاسته شده بود و توجه سرمایه‌داران معطوف به جلب نیروی کار ارزان داخلی از روستاها شده بود. بحران اقتصادی جهانی آن زمان و کاهش تقاضای خارجی برای مواد اولیه، روند صنعتی شدن متکی به اقتصاد داخلی را شدت بخشیده بود. هم‌زمان طبقه کارگر روبه رشد بود و اتحادیه‌های کارگری با گرایش‌های گوناگون سندیکالیستی، سوسیالیستی و کمونیستی که مهاجرین اروپایی اندیشه‌ی آن را با خود به همراه آورده بودند، به وجود می‌آمدند و زیر چتر، سازماندهی می‌شدند (CGT) واحد کنفدراسیون عمومی کارگران



اما ارتقای طبقه کارگر به یک نیروی اجتماعی اثرگذار از زمانی آغاز شد که در ۱۹۴۳ سرهنگ، سپس سرتیپ خون پرون، وزیر کار دولت نظامی با لفاظی‌های ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی، سیاست‌های ترقی خواهانه‌ای را به نفع طبقه کارگر به کار گرفت و از حمایت کنفدراسیون کارگری برخوردار شد. پرون برنامه‌های بلندپروازانه‌تری را برای خود در سر می‌پروراند و کنفدراسیون کارگران هم برای پیشبرد خواست‌هایش از پرون استفاده می‌کرد. دولت نظامی با نگرانی از محبوبیت روزافزون پرون، او را برکنار و به جزیره‌ای تبعید و زندانی کرد. اما کنفدراسیون سراسری کارگری تظاهرات و راه‌پیمایی عظیمی را به راه انداخت و نه تنها موفق به آزادی سریع او شد، بلکه برگزاری انتخابات را به دولت نظامی تحمیل کرد. پرون در ۱۹۴۶ با ایجاد «حزب کارگر» با حمایت وسیع کارگران و خانواده‌هایشان به راحتی برنده‌ی انتخابات شد، دولت تشکیل داد و بعضی از رهبران اتحادیه‌ای را هم وارد دولت جدید کرد. پرون بی آن‌که خود فاشیست باشد، سخت تحت تأثیر موسولینی و نظام فاشیستی مبتنی بر دولت متمرکز و اقتدارگرا با حمایت مردمی قرار داشت. او بر این باور بود که توسعه‌ی اقتصادی پایدار علاوه بر یک سیاست دولت-محور، نیازمند یک طبقه کارگر کمابیش مرفه است. بر این اساس یک سیاست کورپوراتیستی و سازش طبقاتی را به کار گرفت و زمینه همکاری کنفدراسیون کارگری با صاحبان صنایع و بخش صادراتی کشاورزی، و طبقه‌ی کسب-آفرین (انترپرنور) را فراهم آورد و قراردادهای دسته‌جمعی مهمی را به توافق رساند. ارائه‌ی برنامه‌های تأمین اجتماعی، تعیین حداقل دستمزد، حقوق بازنشستگی و بیکاری، مقررات جلوگیری از سوانح کار، خانه‌سازی ارزان برای کارگران، و تسهیلات تفریحی از طریق تعاونی‌هایی که توسط خود کارگران اداره می‌شدند، از جمله سیاست‌هایی بود که در حمایت از کارگران به اجرا گذارده شد. مجموعه‌ی این سیاست‌ها از طریق کنفدراسیون و اتحادیه‌های وابسته به آن، تحت حمایت‌های وزارت کار و دستگاه بوروکراتیک دولت به موقع اجرا درمی‌آمد. همسر قدرتمند پرون، اویتا یا اوا پرون نظارت بر امور کارگری و



رابطه با کارگران را بر عهده گرفته بود. با حمایت اِوا حق رأی زنان نیز تأمین شد. پرون در این توافق طبقاتی، ضمن تأمین پاره‌ای خواست‌های رفاهی کارگران، سرمایه‌داران را قانع کرده بود که منافع آن‌ها و به‌طور کل رشد سرمایه‌داری را تضمین خواهد کرد. در اجرای این سیاست، کل جنبش کارگری و تشکل سراسری آن‌ها را تحت کنترل خود در آورده بود. این نوع اتحادیه‌گرایی بوروکراتیک-کورپوراتیست و دولت محور به «عمودی-محور معروف شد» (Verticalismo) «ورتیکالیسمو»

با آن‌که کارگران از بهبود شرایط خود خشنود بودند، اما به تدریج خواستار مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در سطح کارگاه و کارخانه‌ها شدند، و این امری بود که پرون با آن موافقتی نداشت، زیرا تأکید او بر «اتحادیه‌گرایی حرفه‌ای» و «نه سیاسی» بود. اما پرون در زمانی که وزیر کار بود مدام شعار «شان و کرامت کار» را تبلیغ می‌کرد، و کارگران با عطف به همین مفهوم خواستار سیاسی شدن تشکل‌هایشان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها شدند. بر این اساس نوعی دموکراسی صنعتی مستقیم در کارخانه‌ها برقرار شد که طی آن در سطح هر کارگاه مجموعه‌ی کارگران نماینده (دلگه) کارگاه را انتخاب می‌کردند، و مجموع نمایندگان هر کارگاه (شاپ استیوارد) «مجمع نمایندگان» را ایجاد کرده و «کمیسون داخلی» (کمیته‌ی کارخانه) را برای مذاکرات با مدیریت کارخانه برمی‌گزیدند. این نهادهای مهم کارگری در دو دوره‌ی اول ریاست جمهوری پرون (۱۹۴۶-۵۲ و ۱۹۵۲-۵۵) نه تنها نقش بسیار برجسته و فزاینده‌ای در مشارکت در مدیریت کارخانه‌ها، بهبود شرایط کار، مقابله با فشارهای مدیریت و رسیدگی به شکایات کارگران داشتند، بلکه از نظر تمامی نظریه‌پردازانی که این موارد را بررسی کرده‌اند، عملکرد یک مدرسه‌ی سیاسی را برای کارگران و سازماندهی آن‌ها داشتند. اما واضح بود که به قول مارچلو ویتا این «پرونیسم»، به‌رغم توان چشمگیر پرون در تلاش برای حفظ تعادل و کنترل خواست‌های کارفرمایان و کارگران و همگام کردن آن‌ها در قالب یک سیاست ملی و پوپولیستی، نمی‌توانست عاری از تنش‌های مداوم بین دموکراسی و مشارکت کارگری، اتحادیه‌گرایی بوروکراتیک، و منافع کارفرمایان باشد. این تنش‌ها با درگیری‌های پی‌درپی میان دولت اقتدارگرای متمرکز، بوروکراسی اتحادیه‌ای، خواست‌های مشارکتی کارگران، و به‌ویژه سرسختی و مقاومت‌های طبقه‌ی سرمایه‌دار همراه بود. از آن مهم‌تر کشور شاهد درگیری دیکتاتوری با روشنفکران، هنرمندان، دانشجویان و استادان و سرکوب شدید هر گونه مخالفت با دولت بود. پرون از جمله هزاران استاد و دانشجو را از دانشگاه‌ها اخراج کرد، بسیاری را زندانی کرده و آزادی مطبوعات و آزادی‌های سیاسی را سخت محدود ساخته بود. حتی رهبران کارگری که از او تبعیت نمی‌کردند نیز اخراج و یا زندانی می‌شدند.

در دور دوم ریاست جمهوری پرون، که مصادف با بحران اقتصادی بود، شرایط سخت‌تر شد. مرگ همسرش اوا نیز بر مشکلات پرون افزود. در درگیری او با کلیسای کاتولیک، به تحریک کلیسا بخشی از ارتش به جمع بزرگی از طرفداران پرون حمله کرد، بسیاری کشته شدند و حمله‌ی تلافی‌جویانه‌ی پرونیست‌ها به کلیساها نیز اوضاع را آشفته‌تر کرد. به‌زودی یک کودتای نظامی خونین در ۱۹۵۵ دولت پرون را سرنگون ساخت و او را روانه‌ی تبعید کرد.

در طول ۱۸ سال تبعید پرون، آرژانتین دو دولت نظامی و دو دولت غیرنظامی را تجربه کرد، اما به‌رغم ممنوعیت هر اقدامی که به پرونیسم نسبت داده می‌شد، به‌خاطر قدرت نسبی که طبقه‌ی کارگر کسب کرده بود، تشکل‌های کارگری و احزاب سیاسی از بین نرفتند. در طول این سال‌ها کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری با انشعاب‌هایی که در آن بین جریانات چپ و راست به وجود آمد، برجا ماند و حرکت‌های کارگری متعددی را هدایت کرد. دولت‌هایی که به‌دنبال سقوط پرون تشکیل شدند، سیاست‌های اقتصادی خود را بر مبنای «عقلانیت» بازار و جلب سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های چند ملیتی، همراه با سیاست‌های ضد-کارگری و درجات مختلف سرکوب، تنظیم می‌کردند. با این حال مقابله‌ی کارگران ادامه داشت. یک نمونه‌ی برجسته آن زمانی بود که در ۱۹۵۹ دولت تصمیم به خصوصی‌سازی یک کارخانه بزرگ فرآوری گوشت گرفت، و نه هزار کارگر کارخانه را اشغال کرده و برای مدتی آن را اداره کردند. کارخانه‌های مجاور و محله‌های کارگری با ایجاد راه‌بندان‌ها به حمایت از این کارگران برخاستند. ویتا توضیح می‌دهد که به‌رغم آن که این حرکت وسیع کارگری با خشونت بسیار سرکوب شد، اما نقطه‌عطفی در تاریخ جنبش کارگری



آرژانتین به جا گذاشت. تا اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ حرکت‌های کارگری دیگری بر علیه سیاست‌های دولت برگزار می‌شد، و همگی این‌ها زمینه‌ی تجربیات و آموزش‌های ارزشمندی برای کارگران فراهم می‌کرد.

در ۱۹۶۶ به دنبال کودتای نظامی دیگری با حمایت اتحادیه‌ی کارفرمایان، شرکت‌های چندملیتی، و نیز بخشی از رهبران دست‌راستی کنفدراسیون کارگری، یک دیکتاتوری خشن به روی کار آمد. حکومت نظامی که تا سال ۱۹۷۳ دوام آورد، خود سه بار با کودتاها‌ی داخلی نظامیان و تغییر رهبری نظامی روبه‌رو شد. جنبش کارگری دچار انشعاب شد. رهبری کنفدراسیون همراه با پرونیست‌های راست طرفدار همکاری با «رژیم و کسب امتیاز بود، اما جناح چپ پرونیست تشکل جدید «کنفدراسیون عمومی کارگران آرژانتین را ایجاد نمود و هر گونه مشارکت و همکاری با رژیم جدید را مردود اعلام کرد. پرون که در آن زمان (CGTA) در اسپانیای فرانکو زندگی می‌کرد، با هر دو جناح بازی می‌کرد.

بخشی از پرونیست‌های چپ با خواست بازگشت پرون تشکل‌های چریکی به وجود آوردند. چندین گروه چریکی دیگر نیز از جانب نیروهای چپ و کمونیست، اعم از مائویست، گواراییست، و تروتسکیست ایجاد شد. تجمع‌های مخفیانه‌ی کارگران با حمایت پنهان کمیته‌های کارخانه در شرایط سخت امنیتی که هم از سوی دولت و هم اتحادیه‌های سازشکار بر صنایع حاکم شده بود، برگزار می‌شد و در بسیاری موارد اعتصاب‌ها را سازماندهی می‌کرد. حکومت نظامیان تا ۱۹۷۳ در شرایط بحرانی، درگیری‌های چریکی و سرکوب‌ها و قتل عام‌ها، و موارد متعدد اشغال کارخانجات توسط کارگران در قدرت باقی ماند. با فشار جریان‌های پرونیست و چپ، حکومت نظامی سرانجام با برگزاری انتخابات موافقت کرد، و به حزب پرون هم – اما نه خود پرون – اجازه‌ی شرکت در انتخابات را داد.

دولت دموکراسی پارلمانی پس از کودتای نظامیان عمر بسیار کوتاهی داشت و سرانجام با مراجعت پرون به آرژانتین، سومین دور ریاست جمهوری او در شرایط بیماری‌اش در ۱۹۷۳ آغاز شد. یک ماه قبل از به قدرت که یک جریان پرونیست چپ و کاتولیک وابسته (Monteneros) رسیدن مجدد پرون، گروه چریکی مونتروس به الهیات‌رهای بخش بود و از دوران دیکتاتوری نظامی فعال بود، رهبر میانه‌رو و قدرتمند کنفدراسیون کارگران را که با پرون بسیار نزدیک بود به قتل رساند، و پرون را (که با شنیدن این خبر در جمع گریه کرد) سخت عصبانی نمود و در عکس‌العمل به این اقدام بسیاری کشته و سرکوب شدند. پرون با استفاده از بهبود نسبی اوضاع اقتصادی در اوایل دهه‌ی هفتاد، مجدداً سیاست‌هایی را در جهت بهبود وضع کارگران انجام داد و پاره‌ای بانک‌ها و صنایع را نیز ملی کرد. با تشدید بیماری پرون، همسر سوم‌اش ایزابل، که در دوران تبعید در پاناما در کاباره‌ای با او آشنا شده بود، نقش بیشتری گرفت و معاون رییس‌جمهور و پس از مرگ پرون در ۱۹۷۴ جانشین او شد و تا ۱۹۷۶ در قدرت باقی ماند.

آرژانتین در این سال‌ها با کودتاها‌ی دیگر، سرکوب‌های سراسری ۱۹۷۶، جنگ با بریتانیا بر سر جزایر اشغالی فالکلند، و استقرار مجدد حکومت غیر نظامی از ۱۹۸۳، با بحران‌های سیاسی و اقتصادی و با تورم چند صددرصدی، مواجه بود. در ۱۹۸۹، یک رییس‌جمهور از حزب پرونیست به قدرت رسید و با بهبود رابطه با بریتانیا و نزدیکی بیشتر با آمریکا، همراه با رسیدگی به جنایات رژیم نظامی گذشته، سیاست تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول را در مقابل دریافت وام از آن، به تمامی پذیرفت، بخش اعظم شرکت‌های دولتی را فروخت، ریاضت اقتصادی را قاطعانه به کار گرفت، و پول ملی را به دلار آمریکا گره زد. فقر، تورم، و بیکاری زمینه‌ی یک اعتصاب عمومی را در ۱۹۹۶ فراهم آورد. در ۱۹۹۹ یک ائتلاف چپ میانه و راست میانه رییس‌جمهور جدیدی را به قدرت رساند. اما دولت جدید با ادامه‌ی رکود بسیار شدید، و بدهی ۱۱۴ میلیارد دلاری، حدود یک سوم تولید ناخالص ملی آن زمان آرژانتین، و ناتوانی در پرداخت آن مواجه بود، و دست به کاهش شدید کمک‌های اقتصادی و خدمات دولتی زد. در سال ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول با یک مجموعه وام ۴۰ میلیارد دلاری با شرایط بسیار سخت موافقت کرد. اعتصاب عمومی بر علیه سیاست‌های ریاضتی در ۲۰۰۱ اوضاع را پیچیده‌تر کرد. در انتخابات پارلمانی، پرونیست‌ها کنترل هر دو مجلس را به دست گرفتند. دولت سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را برای جلوگیری از برداشت‌های مردم از سپرده‌های‌شان در





بانک‌ها وضع کرد، پرداخت حقوق بازنشستگی دچار وقفه شد، و اعتصاب عمومی دیگری دولت را ساقط کرد. صندوق بین‌المللی پول هم از پرداخت بخش دیگری از وام به آرژانتین خودداری کرد.

در بستر این بحران‌های اقتصادی و تحمیل سیاست‌های تعدیل ساختاری، کاهش هزینه‌های دولتی برای پرداخت بدهی‌های خارجی، و برداشتن محدودیت‌های واردات محصولات خارجی، و ورود شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی با تشویق‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا، بسیاری شرکت‌های آرژانتین امکان رقابت نداشتند و یکی پس از دیگری ورشکسته شدند. جنبش کارگری با تجارب غنی خود در بسیاری موارد وارد صحنه شد.

## مفاهیم نظری

وییتا در بخش‌های مختلف کتاب مفاهیم نظری خود را به تفصیل توضیح می‌دهد که لازم است درباره‌ی آنها توضیحاتی داد:

### «خودگردانی»، «هم-گردانی»، و «تعاونی تولیدی انقلابی»

یا خودگردانی یا خود-مدیریتی که کارگران کارخانه‌های اشغال شده‌ی (autogestion) «مفهوم» اتوژستسیون آرژانتین آن را به کار گرفتند، با ریشه‌ی یونانی و لاتین در زبان‌های اسپانیایی، فرانسوی، و پرتغالی مورد اشاره می‌کند. با ارجاع به (self-management) استفاده است. او به نارسایی معادل متداول انگلیسی آن مایکل لیوویتز، نظریه‌پرداز مارکسیست، اشاره می‌کند که واژه‌ی انگلیسی به نوعی تأکید بر «خود» و فردیت دارد، که مغایر این مفهوم جمعی است. (این مسئله در مورد معادل‌های متداول فارسی نیز صادق است.) یا هم-مدیریتی یا هم-گردانی را که در (cogestion) «لیوویتز به جای اتوژستسیون، مفهوم «کوژستسیون و نزوئلا‌ی بولیواری در زمان چاوز، که خود زمانی مشاورش بود به کار گرفته شد، مناسب‌تر می‌داند. [۳] لیوویتز اشاره می‌کند که این مفهوم احساس همبستگی بین شرکت و کل جامعه را القا می‌کند، و مبتنی است بر «تثلیث سوسیالیسم» یعنی مالکیت اجتماعی تولید، تولید اجتماعی سازمان‌یافته توسط کارگران، و تولید برای تأمین نیازهای جامعه. در مقابل، «تثلیث سرمایه‌داری» مبتنی بر مالکیت خصوصی، استثمار، و تولید برای کسب سود است. با این حال وییتا ضمن تأیید این کمبود نتیجه می‌گیرد که به رغم این ابهام، از واژه‌ی «خود-مدیریتی» یا خود-گردانی می‌توان همان مفهوم اجتماعی مورد نظر را برداشت کرد.

ضمن آن‌که این بحث لیوویتز بسیار جالب است، باید توجه داشت که مفهوم «هم-مدیریتی» ابهام دیگری را در نظام (co-management, co-determination) ایجاد می‌کند، و می‌تواند با مفهوم مشارکت در مدیریت سرمایه‌داری اشتباه شود، که به هیچ‌وجه «کنترل کارگری» به حساب نمی‌آید، و بیانگر درجات مختلف «مشارکت» کارگران در مدیریت است. کاربرد «هم-گردانی» در نزوئلا‌ی چاوز – نیز در یوگسلاوی زمان تیتو – می‌توانست معنی داشته باشد، چرا که دولت بسیاری از شرکت‌ها را ملی کرده بود و امکان هم-مدیریتی کارگران را فراهم آورده بود.

در مورد تعاونی‌های تولیدی، با اشاره به این که جنبش جهانی تعاونی عمدتاً رفرمیست بوده و نه انقلابی، وییتا تعریف خود را از تعاونی به عنوان «مفهومی رادیکال از خودگردانی»، مبتنی بر تولید برای تأمین نیازهای زندگی؛ عدالت اقتصادی از طریق سازماندهی دموکراتیک کار توسط کارگران، و مالکیت جمعی وسایل تولید، مطرح می‌کند. جنبه‌های مختلف چنین نهادی را، بر مبنای تعاریف ارائه شده توسط نظریه‌پردازان مختلف، به این شکل تعریف می‌کند: «تعاونی کارگری یک نهاد تولیدی است که کارگر سرمایه را به کار می‌گیرد، جایی که «کار» سهم مشترک هر عضو است، کنترل متکی بر کار و نه بر سرمایه‌گذاری است، و درآمدها در مالکیت مشترک اعضا است. به علاوه [تعاونی] جامعه‌ی داوطلبانه‌ی کارگرانی است که به شکل دموکراتیک با یکدیگر همکاری می‌کنند، و هر کارگر به طور مساوی از طریق هیئت مدیره‌های کارگری «یا شوراهایی که توسط اعضا انتخاب می‌شوند، در اداره‌ی امور تعاونی نقش دارد».



باید توجه داشت که در این‌جا تنها بحث بر سر تعاونی‌های تولید است و دیگر انواع تعاونی‌ها از جمله تعاونی‌های مصرف، اعتباری، مسکن و غیره که در تمامی کشورهای جهان از جمله کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود دارند، مورد نظر نیست. [۴] همچنین منظور تعاونی‌های تولیدی است که با اقدام مستقیم کارگران با حمایت اتحادیه‌ها و مستقل از دولت به وجود آمده‌اند، و نه با کمک و تحت حمایت دولت و زیر نفوذ دولت‌ها قرار دارند. درحقیقت در آرژانتین تعاونی‌هایی وجود دارند که مستقیماً با حمایت دولتی و [۵] به‌عنوان بخشی از سیاست توسعه و مبارزه با بیکاری ایجاد شدند، و ماهیت آن‌ها متفاوت است

نیز لازم به اشاره است که در مورد تعاونی‌های تولید اختلاف نظر میان مارکسیست‌ها بسیار است. [۶] پاره‌ای این تصور را که کارگران در نظام سرمایه‌داری می‌توانند در درون درهای بسته‌ی کارخانه یک فضای سوسیالیستی برقرار سازند و «کارگران سرمایه‌داران خودشان شوند» یا «کارگران مالک وسایل تولید خودشان» باشند توهمز و گمراه‌کننده می‌دانند. از سوی دیگر پاره‌ای تعاونی‌های تولیدی را یک نمونه‌ی کامل «کنترل کارگری» با پتانسیل سوسیالیستی قلمداد می‌کنند. مارکس خود به تعاونی‌های تولید و اهمیت آن‌ها اشاره دارد. در خطابه‌ی اولین اجلاس بین‌الملل اول، [۷] پس از اشاره به موفقیت بزرگ ده ساعت کار در روز، به «موفقیت بزرگ‌تری»، یعنی جنبش تعاونی به‌ویژه کارخانه‌های تعاونی اشاره می‌کند، و آن را «تجربه‌ی اجتماعی بزرگ» می‌نامد؛ تجربه‌ای که به قول او نشان می‌دهد که تولید اجتماعی در مقیاس وسیع می‌تواند بدون حضور ارباب‌ها صورت پذیرد، و محصول کار وسیله‌ای برای سلطه بر کارگر و اخاذی از او نباشد. اما اشاره می‌کند که تعاونی‌های تولید، به‌رغم همه‌ی اهمیتی که دارند، اگر در دایره محدودی باقی بمانند، هرگز نخواهند توانست با انحصار روبه‌رشد سرمایه‌مقابل کنند و توده‌ها را آزاد سازند، و یا حتی از رنج آن‌ها بکاهند، و باید ابعاد ملی به‌خود گیرند. مارکس در جلد سوم سرمایه نیز در بحث جدایی مالکیت از مدیریت و مجزا بودن حقوق مدیران و سود صاحب کارخانه، به کارخانه‌های تعاونی و تفاوت مدیریت آن‌ها با مدیریت سرمایه‌داری اشاره دارد. مارکس طرح می‌کند که در انگلستان پس از هر بحران، صاحبان کارخانه‌های ورشکسته به‌عنوان مدیر با حقوقی ناچیز در شرکت خود که حال تحت کنترل طلب‌کاران درآمده، استخدام می‌شوند. انگلس در زیرنویس همین بخش به موردی اشاره می‌کند که به دنبال بحران ۱۸۶۸، یک صاحب کارخانه‌ی ورشکسته که کارگرانش با تشکیل یک تعاونی کارگری آن کارخانه را در اختیار گرفته بودند، به‌عنوان مدیر، کارمند حقوق‌بگیر کارگران قبلی خود می‌شود. [۸] در ادامه به محدودیت‌های تعاونی‌های تولید در نظام سرمایه‌داری خواهیم پرداخت.

## «مارکسیسم مبارزه‌ی طبقاتی-محور»

ویتا در لابه‌لای بحث‌های نظری، اتکای عمده‌ای بر دیدگاه رایج در پاره‌ای محافل مارکسیستی تحت عنوان دارد. این اصطلاح عنوانی است که خود (Class-struggle Marxism) «مارکسیسم مبارزه‌ی-طبقاتی-محور» را متمایز از مارکسیسم لنینی-بلشویکی دولت-محور، مارکسیسم اکونومیستی، و گرایش‌های سوسیال‌دموکراسی اصلاح سرمایه‌داری قلمداد می‌کند. این دیدگاه با فاصله‌گیری از مارکسیسم به‌اصطلاح «عینیت‌باور»، «ارتدوکس» و «یک‌جانبه»، از تحلیل‌های صرفاً اقتصادی از سرمایه‌داری و مالکیت پرهیز می‌کند، و بر عاملیت کارگر و پتانسیل مقاومتی، آگاهی طبقاتی و مبارزاتی آن برعلیه سرمایه، و رشد و تحول ذهنیت طبقه‌ی کارگر در جریان پراکسیس مبارزه‌ی طبقاتی و امکان خود-رها سازی از استثمار و بیگانگی تاکید دارد.

با آن که این نظریه‌پردازان جنبه‌های بسیار مهمی از مبارزه‌ی طبقاتی را مطرح کرده و به تحول پویای مارکسیسم غنا بخشیده‌اند، عنوان مارکسیسم مبارزه‌ی طبقاتی-محور عنوانی گمراه‌کننده است. مگر ما مارکسیسم غیر مبارزه‌ی طبقاتی-محور هم داشته‌ایم و یا داریم؟ تحلیل رابطه‌ی کار و سرمایه یک کلیت مرتبط با هم را تشکیل می‌دهد و پیشینه‌سازی یک بخش آن سبب کمینه‌سازی بخش دیگر خواهد شد. تکیه بر هر دو بخش را آشکارا در همه‌ی آثار مارکس شاهد بوده‌ایم، که من در جاهای دیگر به آن پرداخته‌ام. [۹] درست است که تحلیل‌های زمخت از مارکسیسم کم نبوده و نیستند، و اگر هدف



متمایزسازی از این‌گونه تحلیل‌هاست، چرا آن را به خودِ مارکس منسوب نکنیم و به «مارکسیسم مارکسی» اتکا نکنیم. به‌رحال تأکید نویسنده بر جنبه‌های مختلف و پراکنده از نظرانی است — برکنار از بخشی از نظرات اولیه‌ی کسانی چون رزا لوگزامبورگ و گرامشی — همچون لوکاچ و آگاهی طبقاتی، نسل اول مکتب فرانکفورت، نظریه‌ی فرهنگی والتر بنیامین، کارهای مارکوزه، اریک فروم، دونایفسکایا، گروه فرانسوی «سوسیالیسم یا بربریت»، گروه ایتالیایی «اوپرایسمو» (کارگرایی)، اتونومیست‌ها، ساختارگرایان مارکسیست، و کمونیست‌های شورایی از جمله آنتون پنه‌کوک و بسیاری دیگر.

## اِشغال کارخانه‌ها، احیا و مدیریت کارگری

زمانی که از اوایل سال ۲۰۰۰ بحران اقتصادی در آرژانتین شدت می‌گرفت، و بسیاری از کارخانه‌ها با خطر ورشکستگی روبرو بودند، صاحبان صنایع ضمن افزایش فشار و تشدید استثمار کارگران، اقدام به کاهش فعالیت‌ها و بیرون کشیدن دارایی‌ها از شرکت‌های خود کردند. در غیاب حمایت‌های دولتی از کارگران، اتحادیه‌ها امکان چندانی برای مقابله نداشتند. کارگرانی که شاهد از بین رفتن صنایع محل کار خود بودند و شانسی برای یافتن کار در دیگر صنایع را نداشتند، با استفاده از تجارب پراکنده‌ای که از سال‌های گذشته کسب کرده بودند (برای نمونه در سال ۱۹۶۴، کمی قبل از کودتای بزرگ نظامیان، حدود ۱۱ هزار کارخانه با حدود چهار میلیون کارگر برای مدتی از سوی کارگران مصادره شده بودند)، اقدام به مصادره‌ی کارخانه‌ها کردند. در زمان سقوط اقتصادی کشور در سال ۲۰۰۱ و ناتوانی پرداخت بدهی‌های خارجی، حدود ۲۰۰ شرکت از سوی کارگران مصادره شده بود. با بهبود نسبی اوضاع اقتصادی در سال‌های بعد، تحت سیاست‌های پوپولیستی دولت پرونیستی چپ، تعطیلی کارخانه‌ها و اشغال آن توسط کارگران کاهش یافت، اما ادامه یافت. با شروع مجدد سیاست‌های نولیبرالی از سوی دولت ائتلافی دست راستی از ۲۰۱۵، مشکلات این کارخانه‌ها زیادت‌تر شد، با این حال به‌خاطر نقشی که داشتند و از حمایت‌های مردمی برخوردار بودند، به حیات خود ادامه دادند.

در ۲۰۱۶، حدود ۱۶ هزار کارگر در نزدیک به ۳۷۰ شرکت خودگردان مشغول به کار بودند. حوزه‌ی فعالیت این شرکت‌ها در عرصه‌هایی از جمله چاپ و انتشارات، رسانه‌ها، فلزکاری، غذایی، نساجی، بهداشت، قطعه‌سازی، کشتی‌سازی، ساختمان، پلاستیک، آموزش و گردشگری بود. در مراحل اولیه، این شرکت‌ها عمدتاً صنعتی بودند، اما به‌تدریج همراه با تغییر سیاست‌های دولت‌ها از تعداد شرکت‌های صنعتی تحت کنترل کارگران کاسته شد، و در بخش‌های دیگر اقتصاد به‌ویژه در خدمات افزایش یافت.

به گفته‌ی ویتا، به‌رغم تعداد نسبتاً کم آنها، این بزرگ‌ترین حرکت تبدیل کارخانه‌های سرمایه‌داری به تعاونی در جهان است، حرکتی که مانع تعطیل شدن کارخانه‌ها و بیکار شدن کارگران و حفظ محله‌های کارگری اطراف کارخانه و بهبود اقتصاد محلی شده است. به همین دلیل این حرکت از حمایت‌های مردمی برخوردار بوده، و به دیگر کارگران نیز یاد داده که در صورت برخورد با شرایط مشابه، آنها نیز همین رویه را «دنیال کنند. این کارخانه‌ها تشکل سراسری خود را نیز تحت عنوان «جامعه‌ی ملی کارگران خودگردان در قالب کنفدراسیون عمومی کارگری ایجاد کردند (ANTA)

جالب آن‌که برخی از این کارخانه‌های مصادره و احیا شده توسط کارگران آنقدر موفق شدند که صاحبان قبلی آنها با مراجعه به سیستم قضایی و پلیس سعی کردند که کارخانه‌هایی را که خود تصمیم به تعطیلی آنها گرفته و برخی ماشین‌آلات و مواد اولیه‌ی آنها را شبانه دزدیده و از کارخانه‌ها خارج کرده بودند، بازپس بگیرند. در چندین مورد مردم به کمک کارگران آمده و پلیس را مجبور به عقب‌نشینی کردند. در مواردی هم کارگران موفق شدند از طریق قوه‌ی قضاییه کارفرما را شکست دهند و کارخانه را بازپس گیرند. (نائومی کلان و آوی لوییس مستند بسیار جذابی را در این زمینه در سال ۲۰۰۴ برای تلویزیون سی.بی.سی کانادا تهیه کرده بودند، که خوشبختانه با زیرنویس فارسی در یوتیوب در دسترس [۱۰] است.)



بر کنار از موارد بسیاری که دولت‌ها با فشار سرمایه‌داران، با اتکای به قوه قضاییه و نیروی پلیس با این اقدام کارگران مقابله کردند، در بعضی موارد به دلایل گوناگون، خواه فرصت‌طلبانه و خواه برای کاهش بیکاری، پاره‌ای از دولت‌ها از این حرکت‌های رادیکال کارگری در احیای کارخانه‌ها با مدیریت کارگری حمایت کردند. به گفته‌ی دینراستاین، در سال ۲۰۰۴ دولت برنامه‌ی خودگردانی در شرکت‌های مصادره شده را «نهادی» کرد و در ازای کمک‌های مالی و فنی به این کارخانه‌ها، از اقدامات کارگران برای حفظ شغل‌هایشان [۱۱]. «سیاست‌زدایی» کرد

البته خودگردانی کارگری در همه‌ی موارد عملی نشد، و یا با مشکلات زیادی روبرو شد. حفظ کارخانه‌های مصادره شده توسط کارگران در هر صورت نیاز به قانونی‌شدن داشت. پاره‌ای ناچار بودند که بدهی‌های کارخانه را تقبل کنند، پاره‌ای از این کارگاه‌های مصادره شده، ناچار شدند برای پرهیز از فرایند حقوقی، با مالکان قبلی وارد مذاکره شوند، و کارخانه را یا بازخرید کنند و یا از او اجاره کنند. پاره‌ای نیز در فضای رقابتی شدید، امکان بقا نداشتند و از دور خارج شدند. تعدادی از آن‌ها ناچار به شیوه‌ی سرمایه‌دارانه و استخدام کارگران مزدبگیر بازگشتند، و بخشی از کارخانه‌های مصادره شده در مقابل دریافت یارانه‌های دولتی، تحت نفوذ دولت درآمدند، و از فعالیت‌های سیاسی و خواست‌های رادیکال دست کشیدند. [۱۲] در مواردی کارگران ناچار بودند برای بقای کارخانه با فداکاری بیش از حد ساعات کاری بیشتر و مزد کم‌تری داشته باشند، و از این‌رو درگیر نوعی «خود-استثماری» شدند. کارخانه‌ها به سرمایه‌گذاری بیشتر، خرید ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های جدیدتر و استخدام کادرهای تخصصی نیازمند بودند و تأمین آن‌ها همراه با پرداخت هزینه‌های جاری کارخانه برای بسیاری از این کارخانه‌ها ساده نبود. استخدام کارگران یا متخصصین جدید - به‌جز در مواردی که آن‌ها عضو رسمی تعاونی تولید نظیر اعضای مؤسس شدند - به شکل مزد و حقوق‌بگیری، تعاونی تولید را به یک شرکت سرمایه‌داری، مبتنی بر استثمار دیگر کارگران توسط اعضای تعاونی تبدیل می‌کرد. در مواردی نیز سبب تفاوت‌های هرچند محدود پرداختی برای کار، منجر به بروز نارضایتی‌هایی به‌ویژه از جانب کارگران ماهرتر می‌شد. اما نکته‌ی حائز اهمیت در مورد آرژانتین این است که به‌رغم همه‌ی این مسائل و محدودیت‌ها، تعداد قابل‌توجهی از شرکت‌های تحت کنترل کارگری، با ویژگی‌های خاص‌شان که اشاره خواهد شد، با موفقیت ادامه‌ی حیات دادند

## ویژگی‌های کارخانه‌ها و مؤسسات احیاشده

واحد‌های تولیدی و خدماتی خودگردان، به‌رغم تنوع، دارای چند ویژگی عمده بوده‌اند:

اول این که تمامی این‌ها شرکت‌های ورشکسته یا نیمه‌ورشکسته بودند که صاحبان آن‌ها قصد تعطیل آنها را داشتند، و یا در جریان بحران اقتصادی آن‌ها را رها کرده، و کارگران برای حفظ مشاغل خود آنها را تصرف کرده بودند.

ویژگی بسیار مهم تمامی این‌ها در اندازه‌های کوچک و متوسط‌شان بود. با آن‌که ویبنا پاره‌ای آمارهای کلی مربوط به این شرکت‌ها را ارائه می‌دهد، به آمار اندازه‌ی این شرکت‌ها از نظر تعداد کارکنان، بازده تولیدی و فرایند مولد (نیروی کار و ماشین‌آلات) نمی‌پردازد. اگر آمارهای ارائه شده در ۲۰۱۶ (تعداد کل این کارگران ۱۶ هزار نفر، و تعداد شرکت‌ها ۳۷۰) را در نظر بگیریم، به‌طور متوسط این شرکت‌ها حدود ۴۳ نفر کارگر و کارمند داشته‌اند، که نشان می‌دهد عمدتاً واحدهای کوچک و پاره‌ای متوسط هستند. در یک مورد به یکی از شرکت‌های موفق با ۳۰۰ کارگر و کارمند اشاره می‌شود. (از نظر مقایسه و مقیاس در کل نیروی کار، نیروی کار آرژانتین در سال ۲۰۲۲، حدود ۲۲ میلیون نفر بوده که حدود ۷ درصد در کشاورزی، ۲۰ درصد در صنعت، و ۷۳ درصد در خدمات فعال بوده‌اند.)

ویژگی دیگر این که پس از بحران، این اقدامات «غیر قانونی» کارگران می‌بایست به شیوه‌های حقوقی مختلف شکل «قانونی» به خود گیرد، و بدون تأیید دولت و نظام قضایی حاکم در نظام سرمایه‌داری، امکان





ادامه‌ی حیات نمی‌یافتند. یکی از جداول آماری نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد این واحدها، از نوعی حمایت در سطوح مختلف دولتی اعم از سطح شهر، منطقه و ملی، بهره‌گرفته‌اند.

دیگر این که این شرکت‌ها در یک نظام سرمایه‌داری که الزامات و محدودیت‌های خاص خود را دارد، فعالیت می‌کنند. از یک سو باید نظم دموکراتیک کار را حفظ کنند و از سوی دیگر برای حفظ موجودیت شرکت باید بتوانند در غالب «زمان اجتماعاً لازم» تعیین شده از سوی بازار فعالیت کنند و بخشی از حاصل کار خود را صرف انباشت برای گسترش امکانات تولیدی و نوسازی‌های لازم برای رقابت با شرکت‌های سرمایه‌داری کنند. ویتا به‌درستی این امر را «واقعیت دوجانبه» یا دوگانه می‌نامد، اما به اندازه‌ی کافی به جزئیات آن نمی‌پردازد.

ویژگی دیگر این صنایع، سابقه‌ی وجود تشکلهای کارگری در سطوح مختلف کارخانه، منطقه و در سطح ملی بوده است. کنفدراسیون عمومی کارگران بیش از یک و نیم میلیون عضو دارد. همان‌طور که اشاره شد، این واحدهای خودگردان، اتحادیه‌های سراسری خود را نیز در قالب کنفدراسیون به وجود آوردند.

ویژگی دیگر، رابطه‌ی وسیع این کارخانه‌ها و تشکلهای آنها با محله‌های کارگری و جلب حمایت‌های وسیع مردمی بوده که بدون آن نمی‌توانستند به حیات خود ادامه دهند.

## مقابله با نولیبرالیسم؟

مبارزات کارگران آرژانتین برای حفظ کارخانه‌های تعطیل‌شده و در خطر تعطیل، و اشغال، احیا، و اداره‌ی آنها توسط کارگران قطعاً از برجسته‌ترین موارد جنبش کارگری در جهان است. اما آیا این رویه‌ای قابل تعمیم به همه‌ی صنایع و به همه‌ی شرایط است؟ از آن مهم‌تر آیا آن‌طور که نویسنده کتاب مورد بحث و عنوان فرعی کتاب القا می‌کند، مقابله با نولیبرالیسم است؟ بی آن‌که به این اقدام بزرگ کارگران کم بها داده شود، پاسخ به هر دو سؤال متأسفانه منفی است.

اول آن که، همان‌طور که اشاره شد، این اقدامات تنها به کارخانه‌ها و مؤسسات ورشکسته و در حال ورشکستگی با اندازه‌های کوچک و بعضاً متوسط محدود می‌شود، و نمی‌تواند کارخانه‌ها و مؤسسات کوچک و متوسط دایر و موفق از نظر سرمایه‌داری را شامل شود. صنایع بزرگ نیز که بخش اعظم کارگران در آنها کار می‌کنند و با سرمایه‌های عظیم در حال فعالیت‌اند، حتی آن‌ها که در حال ورشکستگی باشند، مشمول این رویه نمی‌شوند.

دوم آن که در شرایطی که نظام سرمایه‌داری پابرجاست، این شرکت‌های مصادره شده و خودگردان کارگری نمی‌توانند جدا و منزوی از الزامات خشن سرمایه‌داری از جمله همان‌طور که اشاره شد از نظر زمان اجتماعاً لازم برای تولید و بازده محصول، ادامه‌ی حیات دهند. با آن که تعاونی‌های تولیدی کمتر به پیشینه‌سازی سود و بیشتر بر منافع اعضا تکیه دارند، در دوران سرمایه‌داری ناچارند بسیاری از واقعیت‌های بازار سرمایه را در نظر گیرند. این واقعیت حتی در مورد برجسته‌ترین و معروف‌ترین تعاونی تولیدی در جهان، یعنی شرکت تعاونی «موندراگون» اسپانیا نیز صادق است. همان‌طور که در جای دیگر به آن پرداخته‌ام، آن شرکت نیز به‌رغم نظام مدیریتی به‌مراتب دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر از دیگر شرکت‌های سرمایه‌داری، برای بقای خود ناچار به رقابت با آن شرکت‌هاست. [۱۳] این شرکت که از ۱۹۵۶ توسط یک کشیش کاتولیک در باسک اسپانیا پایه‌گذاری شد و به فعالیت پرداخت، هم‌اکنون از بزرگ‌ترین شرکت‌های اسپانیا است و در سطح جهان فعال است، از وجود کارگران مزدبگیر ارزان به‌ویژه در امریکای مرکزی و امریکای جنوبی بهره می‌گیرد، تفاوت‌های دستمزدی (هرچند به‌مراتب کمتر از شرکت‌های سرمایه‌داری) در آن حاکم است و بسیاری از شرکت‌های آن توسط مدیران حرفه‌ای اداره می‌شود.



سوم آن که بدون تأیید نظام حاکم، دولت و نظام حقوقی و قضایی، این شرکت‌ها نمی‌توانستند به شکل رسمی و دائمی فعالیت کنند. همان‌طور که در مورد شرکت‌های صادره شده‌ی آرژانتینی اشاره شد، پس از آن که شرکت‌های ورشکسته و رها شده، توسط کارگران راه‌اندازی شدند، صاحبان آن‌ها با مراجعه به نظام قضایی خواستار بازپس گرفتن آن‌ها شدند. در مواردی تعاونی‌ها با گرفتن وام ناچار شدند که پول زمین و برخی زیرساخت‌های کارخانه را بپردازند. در مواردی، کارخانه را از مالک آن اجاره کردند. در مواردی هم موفق شدند که رأی دادگاه را به نفع خود و بر علیه مالک اولیه کسب کنند. در مواردی هم از دولت کمک گرفتند. به‌رحال در هیچ موردی یک تعاونی نمی‌توانست به شکل رسمی و حقوقی مالکیت کارخانه را از آن خود سازد. به عبارت دیگر بدون موافقت نهایی و رسمی نظام حاکم، امکان خودگردانی کارگری نمی‌توانست عملی شود.

به‌علاوه، بدون وجود اتحادیه‌های سراسری قدرتمند و مبارز، و جلب حمایت‌های وسیع مردم و دیگر طبقات اجتماعی به‌ویژه طبقه متوسط جدید و روشنفکران و هنرمندان، کارگران کارخانه‌های کوچک و پراکنده قادر نخواهند بود که کارخانه‌های خود را تصاحب و اداره کنند.

با مجموعه‌ی این مشخصات، تصاحب چند صد شرکت کوچک و پاره‌ای متوسط را نمی‌توان مقابله با نولیبرالیسم قلمداد کرد - آن‌هم در کشوری آشکارا تحت سلطه‌ی نولیبرالیسم، با تولید ناخالص ملی نزدیک به ۷۰۰ میلیارد دلار، و حدود ۲۲ میلیون نفر نیروی کار. تردیدی نیست که در هر جا که کارگران امکان کسب مالکیت و اداره‌ی کارخانه‌ای را که در آن کار می‌کنند به‌دست آورند، اقدامی بسیار ارزنده و قابل ستایش و گامی در جهت تقویت موضع نیروی کار و تضعیف موضع سرمایه صورت گرفته است. اما برای مقابله با سرمایه‌داری و نولیبرالیسم باید دولت سرمایه‌داری را «تصرف» کرد. آمادئو بوردیگا اولین رهبر حزب کمونیست ایتالیا و همکار گرامشی به رغم نظرات اولترا-بلشویکی‌اش در ۱۹۲۰، زمانی که بحث اشغال و تصرف کارخانه‌ها توسط شوراهای کارگری بود، به نکته‌ی جالبی اشاره می‌کند. او در مقاله‌ی «تصرف قدرت یا تصرف کارخانه» نوشت که کنترل کارخانه تنها زمانی معنی خواهد داشت که قدرت مرکزی به دست پرولتاریا افتاده باشد؛ «کارخانه توسط طبقه‌ی کارگر و نه تنها توسط کارگران آن کارخانه فتح [۱۴] می‌شود».

به‌طور خلاصه، خودگردانی و کنترل شورایی توسط تولیدکنندگان ثروت در معنی واقعی و سراسری خود زمانی عملی می‌شود که تغییرات سیاسی-اقتصادی به سوی گذار از سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم جهت یابد. این مسئله‌ای است که من در جاهای دیگر در گذار از سرمایه‌داری [۱۵] و به‌ویژه در «(نا) ممکن بودن کنترل کارگری واقعی در نظام سرمایه‌داری» [۱۶] به آن پرداخته‌ام. تجربه‌ی آرژانتین باز تأیید این نکته است که شوراهای مدیریت کارگری در دوران سرمایه‌داری در شرایط بحرانی به وجود می‌آیند و با پایان بحران از بین می‌روند. در مواردی که باقی می‌مانند، تنها واحدهای کوچک و گاه متوسط‌اند، و آن‌ها هم فارغ از الزامات سرمایه‌داری نیستند، و بدون حمایت یا تأیید نظام سیاسی و حقوقی نمی‌توانند ادامه حیات دهند. کنترل کارگری واقعی و سراسری، آن‌هم با محدودیت‌هایی، تنها با اجتماعی‌شدن‌های مستقیم و غیر مستقیم در اوج گذار از سرمایه‌داری و بعد از آن می‌تواند صورت پذیرد. در دوران سرمایه‌داری، برکنار از کارگاه‌های کوچکی که می‌تواند به مالکیت و مدیریت کارگران‌اش در آید، تنها راه پیشروی جبهه‌ی کار، «مشارکت» در مدیریت یا «هم‌گردانی» است، مشارکتی که با تقویت هرچه بیشتر طبقه‌ی کارگر و تشکل‌های دموکراتیک آن، پیشرفته‌تر و رادیکال‌تر می‌شود.

از مهم‌ترین درس‌های جنبش کارگری آرژانتین برای ما، اهمیت حیاتی تشکل‌های کارگری است. بدون تشکل‌های کارگری در سطح کارخانه، منطقه و کل کشور، هرگز طبقه‌ی کارگر آرژانتین نمی‌توانست چنین دستاوردهایی داشته باشد. با آن‌که اتحادیه‌های آرژانتین نظیر دیگر اتحادیه‌هایی که در کشورهای دیگر وجود دارند، تشکل‌هایی بوروکراتیک هستند، اما صرف وجود آن‌ها، در مقایسه با کشورهای سابقه‌ی تشکل‌های کارگری را نداشته و ندارند، امکان مقابله‌ی نیروی کار با نظام حاکم سرمایه‌داری را فراهم آورده.



با ایجاد و تقویت اتحادیه‌های مستقل کارگری، آموزش و سازماندهی، کارگران قادر خواهند بود از طریق شوراهایی که نقش بازوی مشارکتی اتحادیه‌ها را ایفا می‌کنند، به نسبت قدرتی که می‌یابند، سطح بالاتری از مشارکت را تا سطح «هم-مدیریتی» یا «هم-گردانی» کسب کنند. طرح شعارهای شوراهای مدیریتی و خودگردانی – به جز برای کارگاه‌هایی با اندازه‌ی کوچک و محدود که کارگران امکان مالکیت و مدیریت آن‌ها را به دست آورند – شعاری انحرافی است. خودگردانی تنها با استقرار یک نظام و دولت مترقی در جریان گذار از سرمایه‌داری و پس از آن میسر است، و در زمان حاکمیت سرمایه‌داری، آن‌هم با ویژگی نولیبرالی، و در مقیاس جهانی ناممکن است.

## یادداشت‌ها

- [۱] Marcelo Vieta, (2020), *Workers' Self-Management in Argentina: Contesting Neo-Liberalism by Occupying Companies, Creating Cooperatives, and Recuperating Autogestion*, Haymarket Books, Chicago, IL.
- [۲] Pablo Pozzi, (1998), "Popular Upheaval and Capitalist Transformation in Argentina", in *Latin American Perspectives*, ۲۷.
- [https://en.wikipedia.org/wiki/History\\_of\\_Argentina](https://en.wikipedia.org/wiki/History_of_Argentina)
- Guido Di Talia, (2016), *Political Economy of Argentina: 1880-1946*, Springer.
- [۳] Michael Lebowitz, (2005), "Construction co-management in Venezuela: Contradictions along the Path", *Monthly Review*, ۲۴ October.
- [۴] John Restakis, 2010, *Humanizing the Economy: Co-operatives in the Age of Capital*, New societies Publishers.
- [۵] Bruno Dobrusin, "[Workers' Cooperatives in Argentina: The Self-administered Worker' Association](#)".
- [۶] Dow Gregory, (1993), "Can Democracy versus Appropriability: Can labour-Managed Firms Flourish in a Capitalist World", in Samuel Bowles, et.al, eds. (1993), *Market and Democracy: Participation, Accountability, and Efficiency*, Cambridge University Press.
- [۷] Karl Marx, (1864), "[Inaugural Address of the International Working Men's Association](#)".
- [۸] Karl Marx, (1984), *Capital, Vol III*, Progress Publishers, pp. 385-389.
- کارل مارکس، (۱۳۹۵) سرمایه جلد ۳، ترجمه حسن مرتضوی، نشر لاهیتا، صص ۴۲۸-۴۲۵
- [۹] سعید رهنما، (۲۰۱۰) روش‌شناسی مارکس، و کارپایه‌ی اقتصاد سیاسی مارکسی، نشر پگاه
- [۱۰] Avi Lewis, Naomi Klein, "[Occupy...](#)", youtube.



[۱۱] Ana Cecilia Dinerstein, (2007), "Workers' Factory Takeovers and New State Policies; Towards the 'Institutionalization' of non-Governmental Public Action in Argentina, Policy and Politics, ۲۵-۳.

[۱۲] Maria Kabat, (2011), "Argentinean Worker-Taken Factories: Trajectories of Workers' Control Under the Economic Crisis", in Immanuel Ness and Dario Azzellini, (2011) Ours to Master and to Own: Workers' Control from the Commune to the Present, Haymarket Books, Chicago, IL.

، ترجمه‌ی بهرام صفائی «[اشغال کارخانه‌ها در آرژانتین](#)»: فارسی

[۱۳] Mondragon-corporation.com

[۱۴] Amadeo Bordiga, (1920), Amadeo Bordiga, "Towards the Establishment of Workers' Councils in Italy" and "Seize Power or Seize factory?" <https://www.marxists.org/archive/bordiga/works/1920/workers-councils.htm>

[۱۵] Saeed Rahnema, (2016), Transition from Capitalism: Marxist Perspectives, Palgrave Macmillan.

سعید رهنما، (۱۳۹۵) گذار از سرمایه‌داری، انتشارات آگاه

[۱۶] Saeed Rahnema, (2022), "The (in)Conceivability of Real Workers' Control Under Capitalism" The International Labour and Working Class History, Cambridge University Press.

«(نا) ممکن بودن کنترل کارگری واقعی در نام سرمایه‌داری» سعید رهنما، (۲۰۲۲) ترجمه عطا رشیدیانی،

منبع: اخبار روز

**مبارزه برای آزادی معلمان، کارگران و زندانیان سیاسی را گسترده و سراسری کنیم!**  
**از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!**





## مکثی بر رویدادهای کارگری هفته



اعتراضات کارگری و بازنشستگان در یکی دو هفته اخیر نیز تداوم و گسترش پیدا کرد. مهمترین اعتراض هفته اخیر تظاهرات گسترده و متحدانه معلمان و فرهنگیان بازنشسته طی سه روز پیاپی در تهران بود که تا روز پنجشنبه بدون وقفه و تزلزل تداوم پیدا کرد. ماموران سرکوبگر رژیم با یورش به تجمع‌های اعتراضی ده‌ها تن از زنان و مردان شرکت‌کننده در تجمع را بازداشت و تعدادی از آنان را ساعاتی بعد آزاد کردند. در این تظاهرات سه‌روزه که در مقابل سازمان برنامه و بودجه تا ۲۳ خرداد برگزار شد، تظاهرکنندگان بر ادامه مبارزه تا اجرای همسان‌سازی، افزایش حقوق متناسب با نرخ تورم، و برخورداری از درمان رایگان تأکید نمودند.

تظاهرات سه‌روزه در شرایطی انجام شد که روند بازداشت و اخراج رهبران و فعالین صنفی معلمان بی‌وقفه ادامه دارد و تعداد زیادی از آنان در زندان بسر می‌برند.

علاوه بر معلمان بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد و مخابرات نیز بطور همزمان در شهرهای مختلف مبادرت به اعتراضات خیابانی نموده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود از جمله آنها، اجرای همسان‌سازی، افزایش حقوق و بیمه درمانی موثر شدند. همزمان با این اعتراضات رسانه‌های طیف‌های مختلف رژیم بدون اینکه اشاره‌ای به این اعتراضات بنمایند مشغول تبلیغات انتخاباتی برای کاندیداهای انتصاب رئیس جمهوری بودند. هیچ‌یک از شش کاندیدای ریاست جمهوری نیز کلمه‌ای در مورد اعتراضات فراگیر بازنشستگان و مطالبات آنان نکرد. همه خود را به کری و کوری زده بودند.

## تداوم اعتراضات مشترک هفتگی بازنشستگان در کرمانشاه

اعتراضات مشترک هفتگی بازنشستگان که از چند ماه پیش با شرکت بازنشستگان کشوری، تأمین اجتماعی، علوم پزشکی و مخابرات شروع شده است در این هفته نیز با شرکت همگی آنها در کرمانشاه برگزار شد. امید می‌رود بازنشستگان دیگر شهرها با الهام از این اقدام بازنشستگان تظاهرات خود را یک‌پارچه کنند.

## اعتراض کارگران در پتروشیمی اصفهان

در ۲۳ خرداد نیز کارگران پیمانکاری پتروشیمی اصفهان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و رد نکردن حق بیمه‌های خود تجمع و خواستار پرداخت معوقات مزدی و بیمه‌ای خود شدند. به گفته یکی از کارگران این شرکت در اعتراض از وضعیت بد مزدی و شرایط شغلی خود و همچنین اعتراض به تغییر قانون بازنشستگی مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور سه روز را در اعتراض و اعتصاب بسر بردند. کارگران معترض خواستار ملحوظ شدن کارشان در ردیف مشاغل سخت و زیان‌آور شدند.



## اعتصاب ۲۸ هزار نفر از کارکنان شرکت سامسونگ در کره جنوبی

به گزارش خبرگزاری رویتر ۲۸ هزار نفر از کارکنان سامسونگ در ۷ ژوئن به منظور افزایش دستمزد، پاداش و شرایط اضافه کاری به مدت یک روز دست به اعتصاب زدند. رهبر اتحادیه کارگران به این خبرگزاری گفت، اگر شرکت خواسته هایشان را برآورده نکند دوباره اعتصاب خواهند کرد.

پس از آن سامسونگ تصمیم گرفت با وعده افزایش ۵.۱ درصدی دستمزدها در سال جاری شروع به کار " ، بزرگترین اتحادیه شرکت، خواهان اخذ امتیاز بیشتر مانند بهبود سیستم پاداش‌های کار و حل و NSEU کند. فصل موضوع اضافه کاری و مرخصی شده است. کارگران سامسونگ می‌گویند که در صورت عدم تحقق ، خواسته‌های آنان ممکن است یک روز دیگر اعتصاب کنند .

## دادگاه شریفه محمدی، فعال کارگری، ۲۰ خرداد برگزار می‌شود .

بعد از گذشت شش ماه بازداشت، دادگاه شریفه محمدی فعال کارگری برگزار می‌شود. طبق ابلاغیه، ۲۰ خرداد ۱۴۰۳ دادگاه این فعال کارگری در شعبه ۱ دادسرای انقلاب رشت برگزار می‌گردد.

شریفه محمدی در تاریخ ۱۴ آذر ۱۴۰۲ در رشت بازداشت و بعد از ۲۰ روز به اداره اطلاعات سمنج منتقل شد. اخباری مبنی بر ضرب و شتم و شکنجه جسمی وی در اداره اطلاعات این شهر منتشر شد. وی در تاریخ ۱۰ اسفند به زندان لاکان رشت منتقل و از آن تاریخ منتظر برگزاری دادگاه است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

## پیگیری بازگشت به کار اسماعیل بخشی با همراهی تعدادی از کارگران هفت تپه

به نوشته کانال اتحاد بازنشستگان اسماعیل بخشی یکی از رهبران اعتصابات گذشته کارگران نیشکر هفت تپه برای پیگیری بازگشت به کار به همراه تعدادی از همکاران خود در این شرکت به هیئت حل اختلاف مراجعه کرد. جلسه هیئت حل اختلاف روز چهارشنبه تشکیل اما هنوز حکم خود در مورد آقای بخشی را که بخاطر مشارکت در رهبری چندین اعتصاب در هفت تپه زندانی و شکنجه و سپس اخراج شد صادر نکرده است. اعتصابات کارگران هفت تپه به همراه افشای فساد و اختلاس نجومی مالک کارخانه در نهایت باعث محاکمه و خلع ید از مالکان شرکت که کارخانه را به مبلغی ناچیز از طریق زد و بند با مسئولین دولتی وقت و سازمان خصوصی سازی تصرف کرده بودند شد. با این وصف اسماعیل بخشی را بجای تشویق بخاطر پرده برداری از این فساد نجومی و غارت اموال عمومی به زندان محکوم و شکنجه کردند.

## جعل خبر شرکت در انتخابات و تکذیب آن توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان

اطلاعیه شورای هماهنگی در خصوص مطلب درج شده در سایت وزارت آموزش و پرورش

به : مردم شریف ایران

از : شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

تاریخ : بیست و چهارم خردادماه یکهزار و چهارصد و سه



وزارت عریض و طویل آموزش و پرورش و سازمانهای زیرمجموعه‌ی آن، با صرف بودجه‌های هنگفت آشکار و پنهان تبلیغاتی، به کمک صدا و سیما، میلی و تأسیس تشکلهای زرد منسوب به معلمان، در سایه‌ی فضای امنیتی و سرکوب، نتوانسته‌است اندک اعتبار و اعتمادی را به خود جلب کند. به همین دلیل در شرایط حساسی چون انتخابات به جعل از عنوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، برای مشروعیت بخشی به انتخابات استفاده کرده است.

از اینرو شورای هماهنگی اعلام میدارد:

با توجه به اینکه مصالح معلمان و دانش‌آموزان، برای هیچ دولتی در جمهوری اسلامی اولویت نبوده و نیست، لذا شورای هماهنگی بیانیه‌ای مبنی بر شرکت یا عدم شرکت معلمان و دانش‌آموزان و اولیای آنها، صادر نکرده است و این شورا مسئولیتی در قبال این بیانیه ندارد.

به اطلاع فرهنگیان و همه مردم شریف ایران میرسانیم تنها مرجع رسمی و قانونی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران کانال رسمی شورا در تلگرام با آدرس: @kashowra

می‌باشد و هر نوع مرجع دیگری از نظر شورای هماهنگی فاقد اعتبار، وجاهت و مشروعیت قانونی است.

با احترام به مردم شریف ایران

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

## اعتصاب همکاران پیمانی ارغوان گستر در پتروشیمی ایلامی و همکاران پیمانکارای شرکت فر آب در پتروشیمی اصفهان

خرداد همکاران پیمانکاری اخراجی در پتروشیمی ارغوان گستر در اعتراض به بیکار شدن از کار و ۲۲ همکاران ما در شرکت فرآب در پتروشیمی اصفهان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد خود و وضع بد معیشتی خود دست به اعتصاب زدند و تجمع اعتراضی برپا کردند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

## رضا شهابی شنبه ۱۹ خرداد به دلیل درد شدید و بی‌حسی و بی‌حرکتی انگشتان پای راست به بیمارستان اعزام شد

کارگر زندانی، رضا شهابی، شنبه ۱۹ خرداد به دلیل درد شدید و بی‌حسی و بی‌حرکتی انگشتان پای راست به بیمارستان امام خمینی اعزام شد. دکتر محمد علی بیطرف بعد از معاینه نظرش را کتبی اعلام کرد، که بر مبنای آن احتمال شدید تنگی کانال نخاع و بیرون زدگی دیسک ۳، ۴، ۵ می‌باشد. پزشک متخصص دستور گرفتن ام آر آی را صادر کردند و توصیه کردند هر چه سریع‌تر ام آر آی انجام تا نظریه نهایی را اعلام کنند و تا زمان گرفتن عکس و مراجعه بعدی استراحت مطلق را تجویز کردند.

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**



دادگاه‌ها وجدان‌های بیدار مردم ایران هستند  
هموطنان آگاه، فرهنگیان شریف  
رسول بداقی از رهبران ثابت قدم و پیگر حقوق معلمان



هموطنان آگاه، فرهنگیان شریف،

ستم‌هایی که در طول ۲۳ سال فعالیت فرهنگی بر من و خانواده‌ام و همکاران آزادی‌خواه رفته است فدای ملت شریف ایران.

اما آنچه مرا رنج می‌دهد، دستگیری‌های خودسرانه، بازجویی‌ها، شکنجه‌های سفید، دادگاه‌های چند دقیقه‌ای دیکته شده غیرقانونی و پنهانی و محکومیت‌های بدون کوچکترین سند و مدرک است. همچنین تبلیغات، سناریوها، فیلم‌سازی‌های دروغین، که در بزرگترین مرکز دروغ‌پردازی و بزرگ‌ترین تشکیلات فریبکاری، دغل‌بازی و تجارت پیشگی به نام صدا و سیما جمهوری اسلامی، انجام می‌شود.

افسوس که تریبونی در دست نیست تا سیه روی کنم آنکه در او غش باشد. اندک نوشته‌های ما نیز به نام دفاعیات، تبدیل به پرونده‌سازی‌های واهی می‌شود. آنکه مارا بد جلوه می‌دهد، آنگاه که خود رسوای عالم است، ادعایش کجا نزد اهل خرد پذیرفتنی خواهد بود؟

صدا و سیمايي که در طول ۴۵ سال شوم گذشته، همواره در جنایت و فساد حاکمان شریک بوده، توجیه‌گر خونریزی‌ها، ماله‌کش تجاوزها، کشتارها، دزدی‌ها، چپاول‌ها و اعدام جوانان و مبارزان آزاده‌ی ایران بوده است، چه پاسخی خواهد داشت؟

قوه‌ی قضائیه‌ای که به اذعان متخصصین حقوقی و قضایی، حتی به اعتراف بازجوها و گواهی ده‌ها هزار محکوم بیگناه، آلت دست نیروهای امنیتی است، چه جای شکایت دارد؟

از آنان که خدایشان را هم بازبچه‌ی قدرت‌طلبی و ثروت‌اندازی خود کرده‌اند، چه انتظار راستگویی و درست‌کاری می‌رود؟ آنان که بر این باورند که با خواندن یک جمله‌ی کوتاه به زبان عربی ۴۵ هزار گناهشان بخشیده می‌شود، چه ترسی از گناه‌کاری، خیانت و جنایت دارند؟

آنانکه در گوشیشان تلقین شده است، با خواندن یک جمله‌ی کوتاه از پاداش ۱۲ بار ختم قرآن بهره‌مند خواهند شد، و به ۴۵ هزار درجه در بهشت خواهند رسید، بجز سودجویی از دین، قرآن و خدایشان به چه چیزی خواهند اندیشید؟





آیا آنان با بودن چنین احادیث جعلی و سودجویانه، نیازی به خواندن متن قرآن شریف و آگاهی از نوع نگاه اسلام به حقوق زن، حلال و حرام، سنگسار، بریدن دست و پا، کشتن و هزاران موضوع دیگر احساس خواهند کرد

آنانکه کشتن دیگران، پاداش بهشت را برایشان به همراه دارد، اعدام، شکنجه، آزار انسان‌ها به عنوان نعمت دنیا و پاداش آخرت برایشان لذت‌بخش نخواهد بود؟ آنانکه بر این باورند، که اسلام‌شان فقط با خون زنده است نه با اندیشه، نه با عدالت، نه با کار، چه ابایی از ستم، بی‌عدالتی، مفت‌خوری، تهمت، افتراء، دروغ‌گویی و همه‌ی رذایل اخلاقی خواهند داشت؟

این جانب با افتخار، هرگونه وابستگی خود و تشکیلات صنفی فرهنگیان ایران را به هرگونه حزب، گروه سیاسی، صنفی و سندیکایی و ... چه داخلی و چه خارجی غیر از شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران را تکذیب می‌کنم. افزون بر این، تشکلهای صنفی فرهنگیان را یکی از قدرتمندترین، پاینده‌ترین، اصولی‌ترین و ترین تشکیلات مردم نهاد می‌دانم

- که نیروهایش، آگاه‌ترین، گسترده‌ترین و دلسوزترین گروه‌های مردمی هستند که برتر از هر حزب، گروه و دسته‌ای می‌باشند
- که برای آینده‌ای بهتر در تلاشی اساسی بوده و تنها راه‌هایی از زیر سلطه‌ی مستبدین بیدادگر حاکم را در استقلال رسانه‌ای، استقلال تئوریک و استقلال عالی جنبش فرهنگیان ایران می‌دانم

به باور من و بسیاری از همکارانم، دموکراسی پایدار و توسعه متوازن، از راه آموزش و پرورش مستقل از سیاست، مذهب و حزب، بدون تعصب نژادی و جنسیتی بر پایه‌ی دستاوردهای علمی نوع بشر، کاملاً تجربی، منطقی، با کیفیت و رایگان، قابل دسترسی خواهد بود

در پایان این محکمه را تا فرصتی بهتر، به وجدان‌های بیدار ملت ایران و فرهنگیان آگاه می‌سپارم

تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند

عرصه‌ی شطرنج زندان را مجال شاه نیست

رسول بدافی؛ زندان اوین؛ ۲۶ خرداد ۱۴۰۳

منبع: کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران



اعتراض کارگرا به اجبار کارفرمایان برای حضور در گردهمایی انتخاباتی محمدباقر قالیباف



به گفته کارگران، این شرکت امروز به دلیل برنامه قطعی برق تعطیل است؛ اما کارگران را با مینی‌بوس و اتوبوس راهی ستاد قالیباف در تهران کرده تا حمایت کارگران از قالیباف را تبلیغ کنند؛ این درحالی است که بسیاری از این کارگران این واحد تولیدی موافق این اقدام نیستند. آنها با اظهار نگرانی از احتمال به خطر افتادن امنیت شغلی خود در صورت امتناع از رفتن به تهران و شرکت در همایش تبلیغاتی قالیباف گفتند: ابتدا با تطمیع و گفتن اینکه به شما پاداش و اضافه کار می‌دهیم سعی در مجاب کردن کارگران داشتند که به دلیل عدم استقبال کارگران به زور و تهدید متوسل شدند.



حرص و لوع سرمایه داران جان چهار کارگر دیگر را گرفت

جزئیات بیشتر از ریزش معدن شازند/ چهار راننده محبوس مانده‌اند. منابع کارگری در مورد هویت کارگرانی که زیر آوار معدن شازند مانده‌اند، توضیح دادند. منابع کارگری ایلنا در استان مرکزی در ارتباط با کارگرانی که در ریزش معدن شازند مفقود شده‌اند، جزئیاتی ارائه کردند. براساس گفته این منابع، چهار راننده زیر آوار سنگهای ناشی از ریزش کوه محبوس شده‌اند.



اعتراض به اختصاص بودجه جنگی به جای رفاه، کارگران ایتالیایی را به خیابان آورد. در تظاهرات بزرگ علیه دولت ملونی (نخست وزیر) و اختصاص بودجه «USB» اتحادیه مرکزی کارگران ایتالیا جنگی وی، به خیابان‌ها آمدند. ، تشکلهای کارگری (WFTU) به گزارش خبرنگار ایلنا به نقل از پایگاه فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری ایتالیا روز جمعه در اعتراض به سیاست‌های اختصاص بودجه نظامی ایتالیا و کاهش بودجه بخش‌های رفاهی و بازنشستگی به خیابان‌ها آمدند.



دامه اعتراض نیروهای پاکبان منطقه ۴ شهرداری زاهدان/ معوقات پرداخت نشد  
نیروهای پاکبان منطقه ۴ شهرداری زاهدان می‌گویند: هنوز معوقات مزدی ما واریز نشده است.



تجمع بازنشستگان کارگری در چند شهر مختلف  
بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر از جمله شوش و کرمانشاه، تجمع اعتراضی ترتیب دادند



وضعیت سخت «کارگران پست»/ کار دوازده ساعته با دستمزد زیر ۱۰ میلیون تومان  
روز اول که برای آگهی کار آمدیم، گفتند حقوق وزارت کاری می‌دهیم، بعد دیدیم منظورشان همان پایه  
حقوق است، گفتیم حقوق وزارت کار، مزایا هم دارد، گفتند نه، دستمزد شما ساعتی حساب می‌شود،  
حالا گاهی بُن غیرنقدی به ما می‌دهند، یک سبد کوچک خواربار اما پولی که آخر هر ماه به حساب ما  
می‌ریزند، کمتر از ۱۰ میلیون تومان است.





ادامه اعتراضات همکاران رسمی شرکت نفت فلات قاره در لاوان

روز ۲۵ خرداد همکاران عملیاتی های معترض جنوب در شرکت نفت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

اهم مطالبات: حذف نفوذی ها و مدیران فاسد و نالایق، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده، اجرای سریع قانون بودجه ۴۰۲ و اصلاح مالیات، اعمال هرچه سریعتر اپریزالها

این ها مطالبات فوری و سراسری همکاران رسمی شاغل در نفت است

**از اعتراضات و مطالبات به حق بازنشستگان متحدانه حمایت کنیم!**

**چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!**

**\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در**

**آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**